هو العلیم

تبیین اختلاف اساسی میان عامه و شیعه بر اصول شریعت

حضرت علامه آیت اللَه سید محمد حسین حسینی طهرانی

امام شناسی، جلد 9

بسم اللَه الرحمن الرحیم

مقاله پیش رو گزیده ایست از فرمایشات حضرت علامه آیت اللَه سید محمد حسین حسینی طهرانی در کتاب شریف امام شناسی که در آن به تبیین اختلاف اساسی میان عامه و شیعه بر اصول شریعت پرداخته اند

## ‌ نزاع شیعه با عامّه، در اصول شریعت است

اشکال ما با شما در اصول است ! در اصل ولایت است ! در غاصبیت خلفاى سه گانه است. در مخالفت آنها با نص قرآن است. در ایذاء و آزار رسول اللَه است. در انکار حق بعد از شناسائى و عرفان است.

شیعه مى‌گوید: ما نمى‌توانیم نص صریح قرآن را نادیده بگیریم و از اخبار صحیحه مستفیضه‌ اى که خود اهل سنت در کتب خود آورده‌اند، رفع ید کنیم. و این قرآن و این سنت رسول اکرم، ما را امر مى‌کند که از ابو بکر و عمر و عثمان تبرى بجوییم. قرآن ایشان را مورد لعنت خداوند، و عذاب مهین قرار داده است. ما چگونه مخالفت قرآن کنیم؟!

شیعه مى‌گوید: علماى بزرگ شما همانند بخارى و مسلم و غیرهما روایت کرده‌اند[[1]](#footnote-1) که: چون رسول خدا رحلت کرد، فاطمه به نزد ابوبکر فرستاد، و طلب میراث خود که از پدرش رسیده بود از فدک، و از ما بقى خمس خیبر نمود. ابو بکر امتناع ورزید که چیزى به او برگرداند . فاطمه بر ابو بکر خشمگین شد، خشم شدیدى و از او دورى گزید، و با او سخن نگفت، تا در حال خشم و غضب بر او از دنیا رفت .

و از طرفى دیگر ائمه حدیث و بزرگان شما همچنین مانند کتاب الجمع بین الصحیحین حمیدى روایت مى‌کنند که رسول خدا فرمود: فاطمة بضعة منى یؤذینى من آذاها ؛ فاطمه پاره گوشت من است، اذیت مى‌کند مرا هر کس او را اذیت کند.

شیعیان این دو حدیث را مى‌گیرند، و صغرى و کبراى شکل اول قیاس برهانى قرار مى‌دهند، و مى‌گویند:

ابو بکر آذى فاطمة علیها السلام، و من آذى فاطمة آذى رسول اللَه.

«ابو بکر، فاطمه را اذیت کرد، و هر کس فاطمه را اذیت کند، رسول خدا را اذیت کرده است» و نتیجه گرفته مى‌شود که:

« ابو بکر آذى رسول اللَه » ؛ ابو بکر رسول خدا را اذیت کرده است.

و چون در قرآن کریم وارد است:

﴿ان الذين يؤذون اللَه و رسوله لعنهم اللَه فى الدنيا و الآخرة و اعد لهم عذابا مهينا﴾. « احزاب آیه ٥٧»

 « آنانکه خدا و رسول خدا را اذیت کنند، خداوند آنها را در دنیا و در آخرت لعنت مى‌کند، و براى آنان عذاب پست کننده و خوارى‌آفرین مهیا مى‌نماید

فعلی هذا مفاد آیه قرآن، کبراى قیاس دیگرى مى‌شود، که صغراى آن استنتاج شده بود:

«ابو بکر آذى رسول اللَه، و من آذى رسول اللَه لعنه اللَه فى الدنیا و الآخرة و اعد له عذابا مهینا.»

 ابو بکر رسول خدا را اذیت کرد، و هر کس رسول خدا را اذیت کند، خداوند در دنیا و آخرت او را لعنت مى‌فرستد، و عذاب پست و ذلت بار براى او آماده مى‌ساز.

بنابراین ابو بکر به نص صریح قرآن، مورد دورباش از رحمت، و مورد لعنت و نفرین خداوند است.

عامّه با علم و وجدان، پیروى از خلفاء جور مى‌کنند. در برابر این برهان، سنى‌ها چه مى‌توانند بگویند؟! چون برهان است. خطابه و شعر و مغالطه و حتى جدل هم نیست، و مقدمات آن از مسلمات و یقینیات است.

آیا مى‌توانند بگویند: قرآن را که کبراى مسئله است، قبول نداریم! و یا صغرا را که در کتب معظم خود آنها همانند صحیحین آمده قبول نداریم؟ آنها فقط مى‌گویند قرآن مسلم است، و احادیث صحیحه مسلم است، و این احادیث هم صحیح است، و لیکن این صغرى چیدن، و کبرى نهادن، و نتیجه گرفتن را ول کنید! این قیاس و منطق به درد شما مى‌خورد، سلف صالح، همگى عادل بوده‌اند، و براى حفظ اسلام از آنها نباید خرده گرفت! اینست منطق مخالفان! اینست منطق ابن تیمیه، که صریحا مى‌گویند، باید پا بر روى فهم گذارد، و عقل را مخذول و منکوب کرد، و کور کورانه از خلفاى جور پیروى کرد.

1. «صحیح بخارىّ»، طبع مطبعه أمیریه، بولاق سنه ١٣١٢ هجریه با اسناد خود از عروة بن زبیر از عائشه روایت مى‌کند که: إنَّ عائشة أخبرتَه أنّ فاطمة علیه السّلام ابنَة رسول اللَه صلّى اللَه علیه و آله و سلّم سَأَلت أبا بکر الصِّدِّیق بعد وفاة رسول اللَه صلّى اللَه علیه و آله و سلّم أن یقْسم لها میراثاً ممّا ترک رسول اللَه صلّى اللَه علیه و آله و سلّم ممّا أفاء اللَه علیه. فقال لها أبو بکر: أنّ رسول اللَه صلّى اللَه علیه و آله و سلّم قال: لا نُورِّث ما ترکناه صَدَقَة فَغَضِبَت فاطمة بنت رسول اللَه صلّى اللَه علیه و آله و سلّم فهَجَرت أبا بکر فلم تزل مهاجرَة حتّى تُوفِیت. ج ٤، ص ٧٩، باب فرض الخمس، و نیز بخارى در همین طبع ج ٥، ص ١٣٩ باب غزوة الخیبر آورده است که چون فاطمه تقاضاى ارث خود نمود: فأبى أبو بکر أن یدفع الى فاطمة منها شیئاً فَوَجَدت فاطمة على أبى بکر فى ذلک فَهَجَرتَه فلم تکلّمه حتّى تُوفیت و عاشت بعد النبى صلّى اللَه علیه و آله و سلّم ستّة أشهر فلما توفّیت دفنها زوجها علىُّ علیه السّلام و لم یؤذِن بها أبا بکرٍ و صلّى علیها. و نیز بخارى در همین طبع، ج ٧، ص ٣٧ در باب ذبّ الرّجل عن ابنته فى الغیرة و الانصاف، آورده است که رسول خدا صلّى اللَه علیه و آله و سلّم فرمود: فاطمة بَضعَة منى یرینى ما أرایها و یؤذینى ما آذاها. و ابن قتیبة دینورى متوفى در سنه ٢٧٠ هجرى در کتاب «الامامة و السیاسة» در طبع مطبعة الامه بدرب شغلان سنه ١٣٢٨ هجریه در ص ١٤ و ص ١٥ آورده است که: فقال عمر لابى بکر انطلق بنا الى فاطمة فإنّا قد أغضبناها! فانطلقا جمعیاً فاستأذنا على فاطمة فلم تأذن لهما فأتیا علیاً فکلّماه فأدخَلَهما علیها. فلمّا قعدا عندها حوّلت وجهها إلى الحائط فسلّما علیها فلم ترّد علیهما السّلام فتکلّم أبو بکر، و پس از اعتذار از اینکه فدک را به فاطمه برنگردانده است فقالت: أرأیتکما إن حدثتکما حدیثاً عن رسول اللَه علیه و آله و سلّم تعرفانه و تفعلان به؟! قالا: نعم! فقالت: انشدکما اللَه ألم تسمعا رسول اللَه یقول: رضا فاطمة من رضاى و سخط فاطمة من سخطى فمن أحبّ فاطمة ابنتى فقد أحبّنى و من أرضى فاطمة فقد أرضانى و من أسخط فاطمة فقد أسخَطنى؟! فقالا: نعم سمعناه من رسول اللَه صلّى اللَه علیه و آله و سلّم قالت: فإنّى أشهد اللَه و ملائکته: أنکما أسخطتُمانى و ما أرضیتمانى و لئن لقیت النّبى لاشکونکما الیه.

   و در این حدیث تصریح است بر آنکه أبو بکر و عمر هر دوى آنها فاطمه را اذیت کردند، و فاطمه از آنها تبرّى جست و سلام آنها را جواب نفرمود. یعنى آنها را از اسلام خارج دانست، چون جواب سلام هر مسلمان شرعاً واجب است، و به آنها صریحاً گفت: شما مرا به غضب درآوردید و من از شما راضى نیستم و اینک که از دار دنیا بروم، شکایت شما را به رسول خدا مى‌کنم‌. [↑](#footnote-ref-1)